

## جريان شناسی انتخابات مجلس يازدهم

(سخنرانی ۲۹ آذر ۱۳۹۸ سردار غفاری قائم مقام حزب عدالت طلبان)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و الصلاة على رسول الله (ص) و على آل الله (ع)

برای شادی روح بینانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام امت و شادی روح شهدای انقلاب اسلامی و سلامتی وجود مقدس رهبر عظیم الشأن انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای روحی فداء صلواتی عنایت بفرمایید.

چند نکته را به صورت منظم، تیتروار و خلاصه مطرح و در پایان به سوالی که دبیر کل محترم حزب عدالت طلبان طرح فرمودند پاسخ میدهم.

اول؛ اولین نکته مهم که همه دوستان باید به آن توجه داشته باشند این است که حضور حداکثری مردم در انتخابات و همه صحنه های سیاسی و اجتماعی انقلاب اسلامی یکی از دو رکن مهم و اساسی مشروعيت نظام جمهوری اسلامی است. حضور مردم برای تحقق بخشیدن و به فعلیت درآوردن حاکمیت پیامبران الهی امامان و یا نائین مأذون از آنها دومین رکن و اساس مشروعيت حاکمیت آنان و از جمله حاکمیت ولایت مطلقه فقیه است که و به تعبیر مقام معظم رهبری از آن به مشروعيت اجتماعی نظام یاد می کنیم. بنابراین اولین وظیفه ما به پای صندوق آوردن آحاد مردم مسلمان و انقلابی ایران اسلامی است.

دوم؛ اما دومین نکته در این میان در انتخابات يازدهم و همه فعالیت های سیاسی ما باید رعایت اخلاق اسلامی و انسانی باشد. فعالیتی که همراه با دروغگویی، تهمت، افتراء و یا غیبت کردن و یا ایجاد اختلاف و تفرقه در بین آحاد مردم، قومیت

هاو مذاهب و جريانهای دینی کشور باشد يقیناً مورد قبول شارع مقدس ، نظام اسلامی، مقام معظم رهبری و مسئولان حزبی ما نیست.(۱)

## جريان شناسی انتخابات مجلس يازدهم

مقدمه در جريان ثبت نام برای اين دوره از انتخابات برابر آنچه وزير کشور به هيأت وزیران گزارش داده و به گفته سخنگوی دولت، ۱۶ هزار و ۳۳ نفر داوطلب نمایندگی بودندو ثبت نام کرده اند. ( برای هر صندلی مجلس حدود ۵۵ نفر) از اين تعداد ۸۴۸ نفر نيز در ادامه فرآيند انصراف خود را اعلام کردند و از ۱۵ هزار و ۱۸۵ نفری که باقی ماندند در هيأت هاي اجرائي با استعلام از مراجع چهارگانه صلاحيت آنها بررسی شد که صلاحيت ۹۱/۲ درصد داوطلبان انتخابات مجلس شورای اسلامي تایید شده اند يعني چيزی معادل ۱۳ هزار و ۸۴۹ نفر واجد صلاحيت داوطلبی در انتخابات مجلس تشخيص داده شدند. اساس در مجموع ۸/۸ درصد (هزار و ۳۲۶ نفر) نيز به دلایل مختلف واجد صلاحيت تشخيص داده نشدند. (برای هر صندلی تا اين مرحله نزديك ۴۸ نفر (۴۷/۷ نفر) به رقابت خواهند پراخت.

اگر بخواهيم به روش سنتی و قبل از تحولات و رویکردهای جدیدی که در میان احزاب و گروه ها جريان های سیاسي کشور رخ داده است، به جريان شناسی انتخابات يازدهم مجلس شورای اسلامی پردازيم؛ باید بگویيم. در اين انتخابات مانند دوره های قبل به طور کلى دو جريان کانديداهای خود را برای بدست آوردن آرای مردم و صندلی های سبز مجلس شورای اسلامي روانه مراكز ثبت نام نموده اند. اين جريان ها عبارتند از:

---

۱- خداوند متعال در سوره مبارکه حجرات ما را به رعایت چند نکته معطوف می کند که اساس همه فعالیت های سیاسی ما باید باشد. این نکات عبارتند از: فَيَسْأَلُونَهُ؛ تحقیق کنید بدون تحقیق و بررسی اظهار نظر نکنید. فَأَصْنَلُوهُ؛ صلح برقرار سازید. وَأَفْسِطُوهُ؛ در اظهار نظر و سخن و عمل عدالت بکار برید. لَا يَسْخَرُ؛ استهzaء و مسخره نکنید. وَلَا تَتَمِّزُوهُ؛ طعنه نزنيد. وَلَا تَتَابِزُوهُ؛ عیجوئی نکنید. اجْتَبَيْوَا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ؛ از بسياری از گمانها پرهیزید. وَلَا تَجَسَّسُوهُ؛ و جاسوسی و پرده دری نکنید. وَلَا يَعْتَبِرُوهُ؛ غیبت نماید .

## الف؛ اصول گراها:

بر اساس جریان‌های سیاسی موجود در جریان اصولگرا و همچنین ثبت نام نامزدهایی که تا کنون کرده اند می‌توان این جریان را در شش طیف دسته بندی نمود.

اگر شش گروه اصلی از اصولگراها که در این انتخابات ثبت نام کرده اند را در یک محور قرار دهید، در دو سوی این محور، دو گروه وجود دارند که یکی میانه‌روترین و سنتی‌ترین آنها یعنی گروه خط امام و رهبری است که به شیوخیت افرادی مانند محمد رضا باهنر و اسدالله بادامچیان در حزب موتلفه و جریان‌های همسو، قرار دارند و در سوی دیگر محور نیز تندرترین گروه‌ها به رهبری آیت‌الله مصباح‌یزدی و شاگرد او آقاتهرانی در جبهه پایداری. با این توضیح درباره این شش دسته از اصول گرایان می‌پردازیم.

**اول؛ گروه‌های همسو:** در این سوی از محور گروه‌های اصولگرا که پیروان موتلفه و ائتلاف گروه‌های همسو هستند افرادی شاخصی مانند مصباحی مقدم، میرسلیم، شهاب‌الدین صدر، لاله افتخاری، فاطمه رهبر، علی عباسپور تهرانی، محمد حسین موسی‌پور، فرید شهاب و احمد کرمی، به عنوان اصولگرایان سنتی حضور دارند که با توجه به قدرت و موتلفه باهنر در جریان اصولگرایی، احتمالاً بتوانند سهم مناسبی از لیست سی نفره اصلی در تهران بگیرند.

**دوم؛ جبهه پایداری‌ها:** در آن سوی محور جریان اصولگرا نیز پیروان حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی چهره‌هایی همچون حجت‌الاسلام مرتضی آقاتهرانی، حجت‌الاسلام قاسم روانبخش (یزد)، حمید رسایی، محمد سلیمانی، فاطمه آلیا، محمود نبویان، محمد حسین رجبی، مجتبی رحمان دوست، وحید یامین‌پور، سید مهدی هاشمی و محمد صادق کوشکی و امیر خضریان و ابراهیم کارخانه‌ای، حضور دارند.

**سوم؛ دوقلوی ایثارگران - رهپویان:** در میانه دو سوی محور جریان اصول گرا چهار طیف وجود دارد که مهم‌ترین آنها دو قلوی ایثارگران - رهپویان‌اند. رهپویان که همیشه زیر سایه ایثارگران فعالیت کرده است، این بار نیم نگاهی به ریاست

مجلس دارد و زاکانی را به همین منظور راهی قم کرده است که احتمالاً موفق نمی شوند. جریان ایثارگران، اما موثرترین جریان اصولگرا در انتخابات مجلس ششم و هشتم و نهم و دهم بوده است. این جریان از یک طرف رابطه خوبی با قالیاف دارد و هم با آیت الله ابراهیم رئیسی رئیس قوه قضائیه ارتباط نزدیکی دارند. الیاس نادران، زهره الهیان، بیژن نوباوه، امیر ابراهیم رسولی، مالک شریعتی، سید نظام الدین موسوی، مجتبی ثابتی، سید احسن خاندوزی، سید امیر سیاح، صادق شهبازی و مهدی کوچک زاده از چهره‌های نزدیک به احزاب دوقلوی ایثارگران - رهپویان هستند.

**چهارم؛ قالیافی‌ها:** گروه دیگر از میانه محور اصولگرایان جریان نوظهور قالیاف است. جریان قالیاف نیز که اصرار بر ریاست مجلس سردار قالیاف دارد و در این مورد مدعی است با هیچ کس هم معامله نمی‌کند. از آنجا که فهمیده است تنها راه برآورده شدن آرزوی قالیاف در تصرف ارکان قدرت نظام ریاست مجلس اوست و نه تنها یک نماینده معمولی برای کسب کرسی ریاست مجلس و چیدن تیم خود به شهرهای مختلف سفر کرد و افراد نزدیک به خود را برای ورود به پارلمان آماده کرد. در این میان محسن پیر هادی، حسین مظفر، سید مجید حسینی، الهه راستگو، عباس جدیدی، سعید احديان، و فرشاد مهدی پور از نیروهای نزدیک به قالیاف هستند که او را در این راه یاری می‌کنند.

**پنجم؛ جبهه ایستادگی محسن رضایی:** جریان، گروه نزدیک به محسن رضایی که عموماً سهم خوبی از لیست‌های اصولگرایان می‌گیرد و بعید است در این انتخابات نیز کنار گذاشته شود. این بار با چهره‌هایی همچون حسن بیادی (در انتخابات دهم ریاست جمهوری سال ۸۸ به جبهه ایستادگی محسن رضایی پیوسته بود و بعد حکم مشاوره از رضایی گرفت)، ابوالقاسم رئوفیان (از نزدیکان رضایی که هنوز سردار را بهترین گزینه برای ریاست جمهوری ایران می‌داند) و همچنین افرادی مانند عبدالحسین روح‌الامینی، علی احمدی و مهدی وکیل پور به میدان آمده است.

**ششم؛ یاران احمدی نژاد:** آخرین گروه از جریان اصولگرایی همان یاران احمدی نژاد هستند. با این تذکر که این جریان لزوماً ارتباطی با جریان انحرافی ندارند و علی رغم همراهی با دولت بهار در نیمه راه به طریقی از همراهی احمدی نژاد و

مشایی کنار رفته و یا کنار گذاشته شدند. این طیف عموما از میان وزرای سابق احمدی نژاد در دولت های نهم و دهم هستند. شمس الدین حسینی، مسعود زریافان، سعید زیبا کلام، طریقت منفرد، مجید امیدی، کیومرث هاشمی، فاطمه جوادی، رضا تقی پور، خواجه سروی و ناظمی اردکانی از این جریان به میدان رقابت وارد شده اند.

## اصلاح طلبان

اصلاح طلبان اینبار به دلیل عملکرد غیر قابل قبول خود پس از پیروزی در انتخابات دوره یازدهم و دوازدهم ریاست جمهوری و شورای های بسیاری از شهر ها و تمام کلانشهر ها علی رغم کم ترین نگرانی ممکن را از ناحیه شورای نگهبان (زیرا معتقدند به دلیل شرایط موجود کشور و نیازی که به مشارکت حداکثری مردم وجود دارد، شورای نگهبان این بار با دید بازتری نسبت به اصلاح طلبان و بررسی صلاحیت آنها اقدام خواهد کرد) سرنوشت خود را در هاله ای از ابهام ارزیابی می کنند به طوری سعید حجاریان استراتژیست این جریان چندی پیش منفعلانه گفت: «تакتیک اصلی اصلاحات، سازماندهی نیروها از پایین است. این روش در گسترش احزاب، سازمان آهینه، بسیج توده‌ای و انواع سازمانهای مردم‌نهاد متجلی می‌شود و حتی بعضی مواقع می‌توان به نافرمانی مدنی فکر کرد. اساساً معتقدم فشار از پایین با انتخابات پدید نمی‌آید؛ پس باید گفت، پروژه اصلاحات به انتخابات گره نخورده است، زیرا انتخابات به معنای کنونی آن، مصدق گدایی قدرت است. اصلاحات صدقه‌بگیر نیست و اگر مکنن دارد، باید با اتکا بر آن به بازار سیاست برود. اگر پول بازار سیاست را نداشتم، باید تلاش کنیم آن را کسب کنیم نه آنکه به هر جنس بُنگلی تن دهیم. این گفتمان باید تحکیم و ترویج شود.»

بنابراین اصلاح طلبان این روزها برای انتخابات مجلس امروزه نه نگران شورای نگهبان هستند و با کمبود آدم موجه اند و نه نگران عدم ائتلاف و لیست واحدند! حتی اگر به ظاهر مجبور شده باشند به «سرا» یعنی سامانه رای سنجی اصلاح طلبان تن بدهنند، نگرانی آنان سه موضوع مهم دیگریست که کم و بیش در اظهارنظرهای عناصری مانند سعید حجاریان، موسوی لاری، مجید انصاری، علی شکوری راد، کرباسچی و دیگران خود را نشان می‌دهد. این سه موضوع اساسی عبارت است از:

**اول؛ عملکرد دولت: اصلاح طلبان می دانند که به واسطه عملکردی که از خود پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس و شوراهای اسلامی شهر و روستا بر جای گذاشته اند و در بسیاری از جهات مورد قبول مردم واقع نیستند، اکنون می خواهند خود را به گونه ای برای انتخابات مجلس آماده کنند که این عملکرد مخرب که کشور را به خاک سیاه نشانده است کمتر مورد اعتنا قرار بگیرد و مردم دچار فراموشی تاریخی شوند. لذا برای پاک کردن این موضوع از حافظه تاریخی مردم قدم های اولیه را برای جدایی راه اصلاحات از اعتدال برداشته اند و در ادامه یعنی در سال جاری، برای ریاست جمهوری سیزدهم احتمالاً این گام ها بیشتر و بلندتر هم خواهد شد.**

**موضوع دوم؛ کاهش مقبولیت:** دومین موضوعی که ذهن اصلاح طلبان را درگیر خود گرده است نگرانی آنها از کاهش محبوبیت سران این جریان نظیر «سید محمد خاتمی» کرباسچی، کروبی، موسوی و عبد الله نوری و دیگران است.

**موضوع سوم؛ میزان مشارکت مردمی اصلاحات:** نگرانی دیگر این جریان هم، نگرانی از کاهش جدی میزان مشارکت مردم به ویژه طیف هایی نظیر طیف خاکستری و بدنه جریان اصلاح طلبی است که نتیجه عملکرد این جریان و دولت و شوراهای و بخش مهمی از مجلس شورای اسلامی برآمده از حمایت آنان است. این نگرانی است که آنها را وادار کرده است، در این زمینه برنامه ریزی و یا با بیان سخنانی نظیر آنچه حجاریان گفتند، یک نوع جو روانی برای تحریک و حضور این بخش از جامعه در پای صندوق های رأی فراهم کنند.

به هر حال علی رغم نگرانی جدی اصلاحات در ضعف استراتژی، ساختاری و عملکردی افراد زیادی از هر دو طیف اصلاحات یعنی اصلاح طلبان و اعتدالیون در انتخابات ثبت نام کرده اند. محمدعلی افشاری، الیاس حضرتی، محمدرضا بادامچی، علی مطهری، محمد رضا خباز، ابراهیم اصغر زاده، حجت‌الاسلام مجید انصاری، جواد امام، محمود صادقی، شهیندخت ملاوردی، محمدرضا راه‌چمنی، حجت‌الاسلام احمد مازنی، حجت‌الاسلام هادی غفاری، علیرضا محجوب، حجت‌الاسلام مهدی شیخ، داوود محمدی، محسن علیجانی، حجت‌الاسلام عبدالحمید خدری، داریوش قبری،

حجت‌الاسلام حسن موسوی تبریزی، سهیلا جلودارزاده، محمدحسین مقیمی، محمدعلی وکیلی، غلامرضا انصاری، احمد نقیب‌زاده، ابوالفضل سروش، محمد قمی، قاسم میرزاچی نکو، همگی از استان تهران. علی‌اصغر یوسف‌نژاد (مازندران)، حجت‌الاسلام قدرت علیخانی (قزوین)، مسعود پژشکیان (آذربایجان)، علی بختیار (اصفهان)، جلال میرزاچی (ایلام)، علی ساری (خوزستان)، احمد حکیمی‌پور (زنجان)، غلامرضا تاجگردون (کهگیلویه و بویراحمد)، احمد دنیامالی (گیلان)، محمد بیرون‌ند (لرستان)، محمد دمامدی (مازندران)، علی ابراهیمی (اراک) محمدرضا تابش (بیزد) (۲)

نگاهی کوتاه به لیست اصلاح طلبان مطرح که خود را برای انتخابات دوره یازدهم مجلس و تصاحب صندلی‌های سیز آن آماده کرده اند نشانگر این موضوع است که:

الف؛ اصلاحات عناصر معتدل را به میدان آورده است.

ب؛ سران اصلی اصلاحات به عرصه رقابت وارد نشده اند.

ج؛ کاندیداهای از هر دو جناح اصلاحات یعنی اصلاح طلب و اعتلال حضور دارند.

## جريان شناسی جدید

از دیدگاه شخصی صاحب این سطور همانطور که عرصه سیاسی کشور از دو جناح چپ و راست در اوآخر دهه شصت و نهایتاً تا ۱۳۷۴ ه.ش و تشکیل مجلس پنجم خالی شد و دو جريان جدید اصلاح طلب و اصولگرا بوجود آمد (اکنون به علل آن کاري نداريم). امروز یا به تعبیر درست تر از هنگامه فتنه دیگر جريان اصلاح طلبی و اصولگرایی نیز به هر دلیل که باز جای سخن آن در اين مجال نیست، و تنها يکی از آن همه، مخدوش شدن مواضع بسياری از سران اصلاح طلب و اصولگرا در هنگامه فتنه سال ۱۳۸۸ و دی ماه ۱۳۹۶ و آذر ۹۸ و تنها گذاشتمن رهبری نظام اسلامی در میانه کار و هنگامه نبرد و

۲- ر.ک: سایت خبر فارسی، مقاله «جدول اسامی چهره‌های اصولگرا و اصلاح طلب کاندیدای مجلس یازدهم» شنبه ۳۰ آذر ۱۳۹۸ ه.ش.

دیگری نیز آلدود شدن بسیاری از عناصر هردو جناح به مطامع مادی و دنیایی و مواضع دور از اصولگرایی انقلابی و اسلامی هر کدام از آحاد سیاسیون دو جریان در برابر نظام آمریکا و استکبار جهانی است دچار پوست اندازی شده اند.

از این رو به تعبیر ما کشور از جریان اصلاحطلبی و اصولگرایی به معنی مصطلح و ظاهری آن خالیست و به همین دلیل از نظر گاه ما جریان های سیاسی و فکری کشور در این هنگام از سه دسته بیرون نیستند. این سه دسته یا سه جریان عبارتند از:

### اول؛ جریان انقلابی

جریانی که به همه ارزش ها و اصول و مبانی اسلامی نظام و انقلاب و ولایت مطلقه فقیه معتقد و پایند است. روحیه مقاومت او در هم نشکسته و به جبهه مقاومت به عنوان منطقه نفوذ انقلاب اسلامی باور دارد. نظام استکباری غرب را در مرحله افول و ضعف و نابودی می داند و معتقد به حذف رژیم صهیونیستی اسرائیل از منطقه غرب آسیاست. به تمدن اسلامی باور دارد و آنرا قابل دسترسی دانسته به مرکزیت فارسی و ایرانی آن پایند است. در عرصه داخلی اقتصاد مقاومتی معتقد و در سیاست دفاعی معتقد به مقاومت فعال و بازدارنده و هوشمند و پیش دستانه است. در مدیریت اداره کشور اعتقاد به اتکاء به درون و سپردن اداره کشور به جوان باورمند فرهنگ ما می توانیم را در اعمق جان پذیرفته است.

### دوم؛ جریان غیر انقلابی

جریان غیر انقلابی دوره انقلابی گرایی را پایان یافته تلقی می کند. به فرهنگ ما می توانیم باور ندارد و آنرا لاف در غربی می داند. به مدیریت جهادی اعتقاد ندارد. اشرافیت و زیاده خواهی را از ارکان و لازمه قدرت و مدیریت می داند. اتکاء او به بیگانه بیش از درون و داشته های خودیست. یک پای خود را در آن سوی جهان گذاشته و آماده فرار از حوادث احتمالیست.

### سوم؛ جریان ضد انقلابی

جريان ضد انقلابی هسته و داشته خود را از نظام و انقلاب اسلامی جدا کرده است. برخی از آنها برای رسیدن به قدرت دین و ارزش‌های دینی و مذهب و حتی ظواهر دینی را کنار گذاشته و برای براندازی نظام اسلامی از هیچ کوششی دریغ ندارند و دست در دست بیگانه و بیگانه پرستی گذاشته اند و با ولایت فقیه همانقدر در ستیزند که قدرت طلبان بنی امیه و بنی عباس با ائمه هدی (علیهم السلام) و رهبران دینی و شیعی. اما دسته دیگر راه مقابله با نظام را در آن سوی محور سکولاریسم یافته هر گونه حضور در قدرت و حکومت را بربند به ظواهر اسلامی و مذهبی در گوش خلوت و هیات و مناسک مذهبی بسنه کرده اند و تشکیل حکومت و قدرت اسلام قبل از ظهور و قیام حضرت را حرام می دانند. اینها که به دروغ خود را ولایتی می نامند از هر خبیثی خیث تر جنایات شبانه روزی نظام استکباری و صهیونیسم و بین الملل و وهابیت نادان در منطقه را نمی بینند و محکوم نمی کنند ولی علیه رهبری نظام دینی و انقلاب اسلامی و مدافعين حرم و وطن هر روز چیزی برای گفتن دارند. بسیاری از هر دو جريان ضد انقلابی اعم از لیبرال های غربی دین به دنیا فروش و زهد فروشان سالوس گر بی دین بظاهر مذهبی همچون دو تیغه قیچی به جان انقلاب و ارزش های انقلاب افتاده اند و منافقانه در صدد رخنه در صفوف نیروی های انقلابی و مدیریت کشور هستند. امروز بزرگترین خطر برای کشور و تهدید بالغ نظام اسلام نفوذ دسته دوم و سوم یعنی عناصر غیر انقلابی و خود باخته و جريان ضد انقلابی در مدیریت و ارکان تصمیم گیران کشور است. این نفوذ گاهی فردی است که خطر آن چندان مهم نیست اگرچه خسارت بار است. و گاهی جريانی است که امروز بخشی از آنها را شما در ارکان قدرت یعنی قوای سه گانه مشاهده می کنید.

## اهمیت انتخابات یازدهم

فرآیند انتخابات پیش رو در حالی آغاز و مراحلی را پشت سر گذاشته است که:

الف؛ نظام سلطه و استکبار جهانی و غرب خون آشام حامی آن تمام قدرت خود را برای تحریم و محاصره اقتصادی مردم ایران اسلامی بکار گرفت و با چراغ سبز عناصر نفوذی در ارکان قدرت بتواند بین مردم و حاکمیت شکاف ایجاد کند که شاید در بخش هایی هم موفقیت هایی بدست آورده باشد.

ب؛ حوادث آذر ۹۸ نشانگر نوع جدیدی از فتنه است که من آنرا به «فتنه اجتماعی» نام گذاری می کنم. تفاوت مهم فتنه اجتماعی نسبت به فتنه های سیاسی سال های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ در آن است که این فتنه به ظاهر فاقد رهبری است، از کف جامعه یار گیری می نماید و در حاشیه شهرهای بزرگ و در نقاط آسیب پذیر شهرها شکل می گیرد، شعار و هدف بظاهر اقتصادی دارد. توام با خشونت شدید است، به فوریت به سوی مراکز دینی و انقلابی کشیده می شود. فتنه های اجتماعی سال دی ماه ۹۶ و آذر ۹۸ نشان داد که آسیب شکاف و انشقاق بین ملت و دولت و حاکمیت جدی است و دشمن سرمایه گذاری اساسی روی آن کرده است. همانطور که دیدید دشمنان نظام و انقلاب اعم از اپوزیسیون خارجی و نظام سلطه و صهیونیسم بین الملل و ارتجاع منطقه تلاش کردند فتنه اجتماعی امسال را مصادره به مطلوب و در جهت شکاف بین دولت و ملت پیش ببرند.

سوم؛ جریان فرصت طلب داخلی که از سویی دولت مورد حمایت شان شش سال است که در پاستور قرار گرفته و سکان اجرایی کشور را در اختیار دارد و از دیگر سوی نمایندگان پر تعداد شان در بهارستان چهار سال است بر کرسی و کالت مردم تکیه زده اند و چندین سال است که شوراهای بسیاری از شهرهای کشور را به طور صد درصدی در اختیار دارد به جای پاسخگویی به این مسئله که چرا به تکلیف قانونی خود عمل نکرده اند و چرا با بی تدبیری و حماقت و یا خیانت وضعیت کشور را به جایی رسانده اند که این همه نارضایتی مردم را به بار آورده است، طلبکارانه همه ارکان قانونی نظام را به چالش می کشند و سعی دارند با استعفای زود هنگام روحانی (رئیس جمهوری) کشور را دچار آشوب و جنگ داخلی کنند.

بنابراین با توجه به سه موضوع و نکته پیش گفته باید اعتراف کرد که انتخابات پیش رو از دو منظر بسیار حساس است و دارای اهمیت فراوانی است:

اول اینکه؛ از این فرصت می توان استفاده کرد و انتخابی هوشمندانه به شکل گیری مجلسی در تراز انقلاب اسلامی و آماده کردن کشور برای حرکت در مسیر گام دوم انقلاب اسلامی که گام «تمدن سازی» و «ظهور اسلام» در عرصه جهانی است اهتمام ورزید.

دوم اینکه؛ با حضور حداکثری و مشارکت بالای مردم در پای صندوق های رای امید دشمنان داخلی و خارجی ملت ایران اسلامی که برای اثبات فاصله بین دولت و ملت تلاش می کنند را آگاهانه و مسئولانه با یأس تبدیل نمود.

### نکته پایانی

نکته آخر این که دوستانم؛ دبیران ، مسئولان ، ارکان حزب، برادران و خواهران توجه کنند: لازمه هر گونه فعالیت سیاسی از جمله همین حضور در انتخابات یا زدهمین دوره مجلس شورای اسلامی آنهم در قالب حزبی و سازمانی دیده شدن و حضور داشتن در میدان و آمادگی داشتن است. این آمادگی و حضور به سه ابزار مهم نیاز دارد.

اولین ابزار مهم دیده شدن و در صحنه بودن رسانه است. شما باید رسانه داشته باشید. داشتن رسانه مستقل اگر الان غیر ممکن باشد می توانید با مصاحبه های مطبوعاتی، صدور بیانیه های حزبی، استفاده از شبکه مجازی به ویژه ایتا (eitaa)، سروش(Soroush)، واتس اپ(WhatsApp) و اینستاگرام(Instagram) و حتی تلگرام(Telegram) باید هر روز یک خبر از شما در استان و خارج استان داشته باشیم. در ستاد مرکزی هم به فوریت یک سایت راه اندازی می شود که مصاحبه ها و خبر های رسمی از آن طریق در دسترس شما قرار گیرد.

دومین ابزار هم پول هست. واقعیت این است که برخی احزاب سیاسی از سه راه به پول و امکانات دسترسی پیدا می کنند.

یکی کار اقتصادی، و دیگری گرفتن پورسانت و بیزینس بازی و کار چاق کنی و اختلاس و ارتشاء و سایر فساد های اقتصادی و غیره، و یکی دیگر هم حق عضویت اعضاء. ما با این اساسنامه و خط ومشی بسیجی و انقلابی و دینی آیا می توانیم به سوی فساد اقتصادی برویم؟ جواب معلوم است پس تنها راه باقی مانده داشت حق عضویت و کمک خیرین و خود شما عزیزان است. البته اگر فعالیت قانونی و درست اقتصادی وجود داشته باشد من مخالفتی ندارم ولی در کوتاه مدت بعد است.

سومین ابزار که از نظر ما مهم ترین و تاثیر گذارترین وسیله و ابزار هم هست، ارتباط رودررو و چهره به چهره است. تشکیل جلسات، همایش ها، گنگره ها و هیات های مذهبی، سیاسی و سایر تاکتیک های ارتباطی با آحاد مردم منطقه بهترین وسیله برای ارتباط گیری و تاثیر گذاری است. من پیشنهاد می کنم کشور را به پنج منطقه شمال و جنوب و شرق، غرب و مرکز تقسیم کنیم و جلسات ماهانه در هر یک از مناطق با حضور اعضاء داشته باشیم و از تحلیگران حزب در این جلسات بهره ببریم. مشکلات و چالش های هر منطقه را دسته بندی کنیم و در مرکز کشور و مراکز منطقه ای و استان ها با حضور مسئولان کشوری و محلی برای حل چالش ها اقدام کنیم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته